

موضوع: امکان سنجی تحقق سوء نیت خاص با قصد نامعین در حقوق کیفری ایران

عبدالصمد حسانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۰

مصطفی فروتن^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱۷

امیر ایروانیان^۳

چکیده

در حقوق کیفری ایران سوء نیت خاص با دو حالت قصد معین (منجز، صریح، مستقیم و یقینی) و علم در ارتباط با وقوع نتیجه با حالت های ذهنی و روانی امکان تحقق دارد. هدف این پژوهش بررسی انواع حالات روانی ذیل عنوان قصد و نحوه پذیرش جایگاه و نقش آن ها در تشکیل عمد خاص می باشد و اینکه آیا با قصد نامعین (قصد غیر مستقیم، ضمنی، احتمالی و...) می توان به سوء نیت خاص رسید یا نه، که به این نتیجه می رسیم، همه حالات درونی و روانی به علم و قصد می رسد و در کل قصد وضعیت ذهنی مرتکب می باشد که فارغ از شرایط فیزیکی و رفتاری می بایست به آن توجه نمود و انواع حالت های روانی مطرح شده تحت عنوان قصد نامعین در تحقق بخشیدن به سوء نیت خاص با مانع اساسی روبرو خواهد بود. حیاتی و مهم بودن جایگاه این بحث به این دلیل است که تعیین دقیق و شایسته ی موضوع می تواند جهت کیفر و مجازا را تغییر دهد. به خصوص در حقوق کیفری ما که مجازا های شدیدی همچون اعدام، قصاص نفس و عضو و ... نیز به عنوان ضمانت اجرا تعیین شده است.

کلید واژه: سوء نیت، قصد نتیجه، علم به وقوع نتیجه

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز - ایران- شیراز. phd.abolhasani@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول) Forutanmostafa@gmail.com

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. a_iravani@sbu.ac.ir

نیت مجرمانه عنصر روانی جرایم عمدی را تشکیل می دهد. در این جرایم برای تشکیل نیت مجرمانه لازم است که علم و اراده مرتکب تمامی اجزای عنصر مادی جرم را پوشش دهد. هرگاه قصد مرتکب، صورت خارجی به خود گرفت و از مرحله قوه به فعل در آمد، در این صورت منشأ آثار کیفری خواهد بود و الا صرف قصد که در واقع میل به ارتکاب جرم است، جنبه ذهنی داشته و قابل اثبات نیست. بنابراین زمانی سوءنیت تحقق پیدا می کند که مرتکب جرم، خواستار نتیجه عمل مجرمانه باشد و تا این عناصر یعنی اراده برخواستن عمل مجرمانه، اراده بر خواست نتیجه عمل مجرمانه و معرفت و آگاهی مرتکب بر واقعیت عمل ارتكابی و غیرقانونی بودن آن تحقق نیابد، سوءنیت و قصد مجرمانه وجود نخواهد داشت. فلذا اراده ارتكاب یا قصد فعل و اراده نتیجه یا قصد نتیجه شرط تحقق جنایت عمدی است. ماده ۴۴۴ق.م.ا به صراحت حالت روانی «علم» واجد نقشی مستقل در تحقق سوء نیت خاص است و تحقق نیت مجرمانه را منوط به تعلق عمد مرتکب به رفتار، موضوع جرم و نتیجه دانسته است. در قوانین کیفری ایران برخورد موسع با حالت روانی قصد نشده است. حال سوالی که در مورد تحقق سوء نیت خاص به وجود می آید آن است که قصد نامعین با حالت های روانی که برای آن قابل تصور است از جمله قصد غیر مستقیم، ضمنی، احتمالی و... به وجود آورنده سوء نیت خاص می باشد یا نه.

۲. تعریف عمد

مهمترین طبقه بندی جرایم بر حسب عنصر روانی، طبقه بندی دو گانه جرایم به عمدی و جرم غیرعمدی است. همچنین، با توجه به نیت فاعل یا فاعلان جرم به منظور وصول به نتیجه ای خاص، ممکن است جرایم متعددی ارتكاب بیابد که با یکدیگر مرتبط باشند جرم مرتبط مفهومی وسیع و احکامی جدا از جرایم ساده دارد. بر این مبنا، جرایم را می توان در طبقه بندی دیگری گردآوری کرد و احکام آن را برشمرد (اردبیلی، ۱۳۹۵، ص ۶۵) عمد در لغت به معنای قصد چیزی را نمودن، (عن عمد) یعنی اینکه از روی قصد و نیت قبلی انجام گرفته و (جنایة المرتکبة عمداً) به معنای این است که جنایت با سبق تصمیم انجام شده است (آذرنوش، ص ۳۶۳).

۱-۲. عمد عام (سوء نیت عام) و عمد خاص (سوء نیت خاص)

عمد خاص: عمد وقتی خاص است که قانونگذار قصد نتیجه را جزو ارکان بزه دانسته باشد. که عمد از لحاظ قصد مرتکب است. نوع دیگری از انواع و اقسام و رکن روانی بر اساس قصد مرتکب در دست بررسی و تبیین قرار می گیرد. برخی از صاحب نظران حقوق جزاء سوء نیت عام و خاص را تحت عناوینی چون قصد عام و خاص بررسی نموده اند.

سوء نیت عام همان کوشش و نیت آگاهانه و بخردانه ایست که مجرم را به سوی ارتكاب جرم و نقض قانون جزا وا می دارد. (محسنی، ج ۲، ص ۲۴۲) و نیز به معنی اراده خود آگاه شخص در ارتكاب عمل مجرمانه است (گلدوزیان، ص ۴۲۵). برخی سوء نیت عام را به معنی تعلق فعل و انفال ذهنی مرتکب به عمل ناقض قانون یا به عمل ممنوع دانسته اند. با عنایت به تعاریف ارائه شده، در تعریف سوء نیت عام بیان می داریم که قصد عمل انجام نامشروع که به

صورت فعل مادی یا مثبت ظهور پیدا می کند. شایان ذکر است در ارتکاب کلیه جرایم اعم از عمدی و غیر عمدی، سوء نیت عام لازم و ضروری می باشد.

سوء نیت خاص به معنی اراده آگاه نسبت به مال موضوع جرم یا شخص متضرر از جرم می باشد. (گلدوزیان، ص ۲۴۵) همچنین به معنی تعلق فعل و انفال ذهنی مرتکب به نتیجه ممنوعه قانونی می باشد. شایان ذکر است سوء نیت عام و خاص در برخی از تألیفات حقوقی تحت عنوان قصد عام و خاص بررسی شده است. قصد عام آنست که جانی از قصد، مرتکب جرایمی چون جرح یا ضرب شود ولی در ارتکاب آن منجر به قتل مجنی علیه که مقصود نبوده است گردد. سوء نیت خاص؛ یعنی قصد تحصیل نتیجه مجرمانه، در قتل عمدی سوء نیت خاص آن است که قاتل علاوه بر آنکه فعل خود را از روی قصد بر مجنی علیه واقع میسازد، قصد سلب حیات او را هم داشته باشد. (پوربافرانی، حسن، جرایم علیه اشخاص، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲، ص ۶۳)

بیشتر قوانین جزائی وضعی وجود قصد خاص را در جرم عمد شرط دانسته اند و گروهی به وجود قصد عام حتی در مورد جرائم عمدی اکتفاء کرده اند مشروط بر اینکه ابزاری را که جانی برای ارتکاب جرم به کار گرفته است آن چنان باشد که سلامت شخص را در معرض خطر مرگ قرار دهد، اگرچه در حین ارتکاب جرم به خود قتل التفات نداشته باشد. (فیض، ۱۳۸۵، ص ۲۷۹)

فقها در حقوق جزای اسلام به این دو نوع قصد توجه کامل داشته اند چرا که در مورد قتل عمد در کتاب های فقهی آمده است که قتل عمد در یک تقسیم کلی ممکن است به دو صورت محقق شود یکی این که جانی قصد قتل را در حین ارتکاب جرم داشته باشد و این همان قصد خاص است، دیگر این که جانی به فعلی که غالباً کشنده است یا با آلت قتاله مجنی علیه را از قصد مضروب یا مصدوم کند ولو این که قصد قتل نداشته باشد و این همان قصد عام است (سپهوند، ۱۳۷۹، ص ۶۷)

در پاره ای از جرائم ضمن داشتن سوء نیت عام، سوء نیت خاص نیز لازم است. جرم قتل عمدی از جمله جرائم مقید است که به سوء نیت خاص که همان قصد نتیجه است هم نیازمند است و به این معنی است که علاوه بر قصد عمل مجرمانه باید قصد نتیجه معین یا ضرر خاص هم که از طرف قانونگذار برای تحقق جرم ضروری است مصداق پیدا کند (شامبیانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۷۰) تعریف دیگری از سوء نیت خاص در قتل عبارت است از این که مرتکب خواهان سلب حیات از دیگری باشد با این وجود در سیستم حقوقی موجود انجام عمل نوعاً کشنده بدون قصد سلب حیات نیز قتل عمدی محسوب می گردد، بنابراین برای تحقق قتل عمدی ممکن است سوء نیت خاص لازم نباشد اما در هر حال وجود سوء نیت عام لازم و ضروری می نماید. یعنی در صورتی که عمل قتاله باشد سوء نیت خاص مفروض بوده و خلاف آن هم قابل اثبات نخواهد (آزمایش، ص ۱۰۵).

اندیشمندان حقوقی عقیده دارند: سوء نیت عام به اراده خود آگاه شخص در ارتکاب عمل مجرمانه اطلاق می شود. وجود سوء نیت برای آنکه جرم عمدی تحقق یابد، همیشه لازم است ولیکن در برخی از جرم علاوه بر سوء نیت عام ضرورت دارد که سوء نیت خاصی نیز وجود داشته باشد. بدین معنی که علاوه بر قصد ارتکاب عمل مجرمانه باید قصد دیگری هم از طرف قانونگذار برای تحقق جرم ضروری شناخته شده مصداق پیدا کند. فرضاً در جرم ضرب و

جرح وجود سوء نیت عام در امر زدن کافی است و لازم نیست که ضارب قصد صدمه رساندن نیز داشته باشد در حالیکه در قتل علاوه بر داشتن قصد و عمد در ارتکاب عمل مجرمانه (فرضاً زدن یا تیراندازی) باید قصد کشتن هم وجود داشته باشد تا مرتکب به عنوان قاتل عمدی مسئول شناخته شود (صانعی، ص ۳۱۸).

با توجه به مطالب باید گفت سوء نیت عام پوشش و اراده خود آگاه مجرم در ارتکاب جرم می شود و سوء نیت خاص همان قصد خاص یا قصد اضرار یا قصد حصول نتیجه مجرمانه است

۳. حالت های ذهنی تحقق عمد خاص تحت عنوان قصد

اگر به جای اینکه درجات و وسعت اراده را در نظر بگیریم، نتایج حاصله از عمل را مورد توجه قرار دهیم و یا به عبارت دیگر، از جهت موضوعی^۱ جرم را در نظر بگیریم، سونیت را می توان به اقسام زیر تقسیم نمود.

۳-۱. سوء نیت ساده و سوء نیت مشدد

برحسب اینکه آیا بزهکار با تفکر و طرح نقشه قبلی مبادرت به ارتکاب جرم نماید یا خیر؟

سوء نیت را می توان به اعتبار درجات و سوء نیت ساده و سوء نیت مشدد تقسیم نمود. (گلدوزیان، ۱۳۸۴، ص ۴۲۵) سوء نیت ساده در مواردی است که ارتکاب جرم مسبوق به تفکر و طرح نقشه قبلی نباشد. یعنی مجرم بدون تعمد و بدون تصمیم قبلی، در اثر عوامل و تحرکات خارجی و حتی در بعضی موارد بدون در نظر گرفتن نتایج اعمال خویش به هیجان آمده و مرتکب جرم می شود.

در این گونه جرایم، مجرم قبل از مبادرت به ارتکاب جرم، تصمیم و نقشه ای در خصوص ارتکاب جرم نداشته و ارتکاب جرم مسبوق به طرح و نقشه نمی باشد. به عبارت دیگر جرایمی که بدون سبق تصمیم صورت می گیرند، جرم دون سبق تصور و اندیشه و تفکر قبلی که به وسیله تهیه مقدمات و وسایل جرم ظاهر می گردد وجود ندارد. و ارتکاب عمل بدون سابقه و مقدمه صورت می پذیرد مثل آنکه هنگام گفتگو و مشاجره یکی از طرفین به دیگری دشنام می دهد و در اثر خشم، طرف دیگر را به قتل می رساند.

علی الاصول کلیه جرایم غیر عمدی، بدون سبق تصمیم و اراده ظاهر می گردند ولی در پاره ای از اوقات، جرم عمدی بدون سبق تصمیم و تهیه مقدمات و تهیه وسایل ارتکاب واقع می شود. پاره ای از مولفین (ولیدی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۶) سوء نیت ساده را تحت عنوان قصد مجرمانه اتفاقی، استفاده کرده اند.

شایان ذکر است تعداد مجرمینی که بدون سبق تصمیم اقدام به ارتکاب جرم می نمایند بسیار زیاد می باشد (لنگرودی، ص ۲۰۶). درست است که در جرائم اراده مجرمانه وجود دارد ولی چون نتیجه تعمد و تفکر قبلی مجرم نیست لذا به این سوء نیت عنوان سوء نیت ساده داده شده است.

^۱ . Objective

^۲ . واژه سبق تصمیم به معنی تصمیم راجع به نقشه طرح شده قبل از ارتکاب جرم، به منظور سوء قصد نسبت به مجنی علیه می باشد.

سوء نیت مشدد یا عمد مسبوق به تصمیم، آن است که مجرم مدتها، نسبت به موضوع جرم و نتایج حاصل از آن تأمل و تفکر نموده و پس از آنکه به طور عمیق و دقیق مخاطرات و منافع جرم را در نظر گرفته و بالاخره به ارتکاب جرم مبادرت می نماید در این مورد عمل مرتکب مسبوق به تفکر قبلی و نقشه می باشد. (محسنی، ج ۲، ص ۲۳۹).

مرتکب جرم عمدی، ابتدا به میل خود، نقشه عملی را که می خواهد انجام دهد طرح نموده و وسائل و ابزار را فراهم نموده سپس عملیات مجرمانه خود را برای حصول نتیجه اجراء می کند در این صورت چون وقوع جرم مسبوق به تصمیم قبلی مرتکب است قصد مجرمانه قبلی با سوء نیت مشدد نامند (ولیدی، ص ۲۶).

شایان ذکر است برای تحقق قصد مجرمانه قبلی با سوء نیت مشدد لزوماً باید بین تصمیم و قصد ارتکاب جرم و عملیات اجرایی جرم انجام یافته، فاصله وجود داشته باشد و طولانی یا کوتاه بودن زمان سبق تصمیم و ارتکاب جرم تاثیری در تحقق جرم عمدی با سبق تصمیم ندارد. در خصوص اینکه آیا کسانی که با طرح و نقشه قبلی خود را مجهز نموده و با اندیشه کامل مرتکب جرم می شوند، برای جامعه خطرناک تر هستند، یا کسانی که تحت تاثیر هیجانات و تأثیرات آن مرتکب جرم می شوند؟ در پاسخ به این سوال، نظرات متفاوتی ارائه شده است.

از میان نظرات ارائه شده، نظر اکثریت و قول اقوی آنست که خطر دسته اول بیشتر می باشد لذا سوء نیت بدون سبق تصمیم ارفاقات و تخفیف های قانونی در نظر گرفته شده است. شایان ذکر است در حقوق جزای ایران مقررات صریحی در زمینه مسئولیت و سوء نیت با سبق تصمیم و همچنین تفکیک بین سوء نیت ساده و مشدد پیش بینی شده است ولی مطابق رویه قضایی و اصول کلی، قاضی می تواند سوء نیت ساده را مشمول ارفاق و تخفیف قرار دهد. زیرا قاضی در اعمال مجازات بین حداقل و حداکثر اختیار قانونی دارد و حتی اگر احراز نماید که مرتکب جرم، دارای سوء نیت ساده می باشد می تواند از حداقل مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی پایین تر بیاید و مجازات را تخفیف دهد (صانعی، ج ۱، ص ۲۳۰).

مثلاً نداشتن تصمیم ارتکاب جرم (سبق تصمیم را می توان مطابق بند ۳ و ۵ ماده ق.م.ا. از موارد مخفف مجازات قرار داد. در مورد ارتکاب جرم عمدی تعزیری و بازدارنده، در صورتی که مرتکب، قصد مجرمانه قبلی مرتکب جرم شده باشد دادگاه می تواند به اسناد مواد ۱۹ و ۲۰ ق.م.ا. به عنوان تصمیم حکم تعزیری یا بازدارنده، مرتکب جرم را مدتی از حقوق اجتماعی محروم و یا اقامت او را در نقطه یا نقاط معین ممنوع و یا به اقامت در محل مجبور کند^۳

همانطور که ذکر شد، جرم سبق تصمیم به دلیل خطرناک بودن و داشتن ضرر بیشتر برای جامعه، مجازات بیشتری نسبت به جرم بدون سبق تصمیم دارد. علیرغم عدم تصریح به عناوین و آثار جرایم با سبق تصمیم و بدون سبق تصمیم در حقوق جزای ایران، در قانون مجازات مصر، عناوین سبق تصمیم و بدون سبق تصمیم مورد تصریح و استفاده قرار گرفته و واژه «سبق تصمیم» در ماده ۲۳۱ و واژه «نشستن در کمین» در ماده ۲۳۲ قانون مجازات مصر تعریف و برای آن مجازات اعدام در نظر گرفته شده است.

۳. مواد ۲۳، ۲۵، ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی.

در پایان و به عنوان خاتمه بحث به این نکته اشاره می‌کنیم که در اسلام، قصد جنایی چه سابق و چه مقارن با ارتکاب جرم باشد، یکسان است و در هر دو صورت جرم عمد تحقق یافته، چون آنچه در جرم عمد مهم است قصد مقارن با جرم بوده و آن هم در هر دو صورت فوق وجود دارد و لذا معنی ندارد که قصد سابق بر جرم، کیفر جرم را شدت بخشد. زیرا این سخت شدن کیفر در مورد قصد سابق بر جرم، در واقع به معنی کیفر نمودن خود قصد است در حالیکه اسلام برای قصد جرم داشتن، کسی را کیفری نمی‌کند. (فیض، ش ۸).

همانطور که می‌دانیم در اسلام کیفر قتل عمد، قصاص است و فرق نمی‌کند که مجرم، پیش از ارتکاب قتل نقشه آنرا کشیده و مرتکب قتل شده باشد یا قبلاً چنین قصدی نداشته و در اثر مشاجرات لفظی ناگهان به فکر ارتکاب قتل افتاده و با وجود قصد مقارن جرم به ارتکاب آن اقدام کرده است.

۲-۳. سوء نیت معین و سوء نیت غیر معین

حقوقدانان و صاحب نظران حقوق جزا بسته به مورد تعاریفی از سوء نیت معین و غیر معین ارائه نموده‌اند. البته سوء نیت معین تحت عنوان سوء نیت مقید و سوء نیت غیر معین تحت عنوان سوء نیت مطلق، در تألیفات حقوقی ذکر شده‌اند. سوء نیت معین در مواردی است که جرم نسبت به شخص یا شیء معین که مورد قصد مرتکب بوده واقع می‌شود مانند موردی که قاتل قصد کشتن خود را داشته و او را به قتل می‌رساند (گلدوزیان، ص ۴۲۷).

سوء نیت وقتی معین است که فاعل قصد و اراده برای انجام جرم مشخصی نسبت به شخص یا اشخاص معین داشته و نتیجه حاصله هم همان باشد که مورد نظر بوده است. به عبارت دیگر چنانچه مرتکب جرم عمدی، قبلاً عواقب و نتیجه خاص و معین حاصل از عمل خود را پیش بینی کرده و مورد توجه قرار داده باشد و با اراده و اختیار و با در نظر گرفتن آن نتیجه خاص، عملیات اجرایی جرم را به انجام برساند، قصد مجرمانه او معین است.

به عنوان مثال، طبق بند الف ماده ۲۰۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰، اگر کسی با قصد کشتن، شخص معین یا افراد غیر معین از جمع معین را به قتل برساند، قاتل عمدی محسوب می‌شود. یا مثلاً شخصی قصد سرقت مال را دارد و برای این امر نقشه تهیه کند و به همان نتیجه نائل شود، در این مورد سوء نیت مرتکب، معین و مشخص می‌باشد.

در سوء نیت مقید یا معین، هویت مجنی علیه شرط می‌باشد. سوء نیت وقتی غیر معین است که جرم نسبت به شخص یا شیء دیگری که مورد قصد و مطلوب عامل نبوده واقع شود مانند بمب گذاری در اماکن عمومی. همچنین هرگاه عامل نتایج عمل شوم خود را پیش بینی کند و آن را به خواهد ولی هویت مجنی علیه در نظر او مجهول و غیر ثابت باشد مثل شخص آنارشیستی که یک نارنج بین جمعیتی پرتاب می‌کند و نمی‌داند به چه شخصی اصابت می‌کند وی قصد دارد که موجب مرگ یک یا چند نفر خواهد شد. (یاد ابراهیم، ص ۵۲) در سوء نیت معین، فاعل در عین حال که خواستار نتیجه ای مجرمانه از فعل خویش است، نمی‌تواند از پیش دقیقاً کیفیت آن را تصور کند. برای غیر معین بودن قصد، شرط می‌شود که مجرم، هلاک شخصی معین را از فعلش قصد کند، قصد نسبت به آن شخص معین و اگر شخصی معین به همراه دیگری هلاک گردند، سوء نیت مرتکب نسبت به اولی معین و نسبت به دومی غیر معین است (علی آباد، ص ۶۵ و عوده، ص ۱۵۱).

سوء نیت معین بارزترین و کاملترین نوع سوء نیت می باشد و عنصر روانی اکثر جرایم را این سوء نیت معین تشکیل می دهد. در واقع می توان گفت که سوء نیت معین اصل و سوء نیت غیر معین خلاف اصل است. زیرا آنچه از انجام عمل ممنوعه یک شخص عاقل و مختار با اراده آزاد مسبوق به ذهن می شود، ارتکاب جرم شخصی بر روی شخص یا اشخاص معین می باشد که این امر حاکی از سوء نیت معین وی می باشد. در خاتمه متذکر می گردد که در سوء نیت اعم از معین و غیر معین، عمل و نتیجه آن (مانند مطلق قتل) هر دو مورد نظر و مقصود و و مطلوب مرتکب هست و لذا با سوء نیت موجود علی الأصول باید جرم و عمل ارتكابی عمدی باشد.

۳-۳. سوء نیت جازم و سوء نیت احتمالی

یکی دیگر از اقسام تقسیم سوء نیت از لحاظ نتیجه حاصله، تقسیم سوء نیت به «سوء نیت جازم یا عمد قطعی یا قصد مباشر» و «سوء نیت احتمالی یا عمد احتمالی یا قصد غیر مباشر» می باشد.

سوء نیت جازم در مواردی است که احراز شود نفس ارتکاب جرم مطلوب عامل بوده است مانند سرقت موضوع مواد ۱۹۷ به بعد ق.م.ا و یا مواد ۶۵۱ بعد ق.م.ا (گلدوزیان، ص ۴۲۶).

همچنین هرگاه شخصی با هدف معین و به منظور حصول نتیجه قطعی و منجزی مرتکب جرم شود و به همان نتیجه هم برسد، با این اراده مجرمانه را سوء نیت منجز یا سوء نیت جازم گویند. به عبارت دیگر در سوء نیت جازم مرتکب جرم مطلوب عامل بوده است مانند کسی که به دیگری تیر اندازی و او را به قتل رساند مشمول بند الف ماده ۲۰۶ ق.م.ا می باشد.

در مقابل این اراده مجرمانه منجز، سوء نیت احتمالی قرار دارد و آن وضعیتی است که فاعل قصد ارتکاب جرم را دارد و نتیجه عمل خویش را پیش بینی می کند ولی به هیچ وجه خواستار حصول نتیجه زیانبار و حتی نتیجه ایی از فعل خویش نیست (محسنی، ص ۲۴۱) سوء نیت اتفاقی یا احتمالی در مواردی است که عامل نتیجه را پیش بینی کرده ولی آن را نخواسته باشد (گلدوزیان، ص ۴۲۴)

به عنوان نمونه مطابق ماده ۶۸۹ ق.م.ا «در تمام موارد مذکور در این فصل هر گاه حریق و تخریب و سایر اقدامات انجام شده منتهی به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسان شود، مرتکب علاوه بر مجازاتهای مذکور حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه و در هر حال به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد».

همچنین عمل راننده ایی که با علم به نقص ترمز، وسیله نقلیه خود را به حرکت در آورد و در اثر تصادف با عابری، باعث فوت یا مجروح شدن او می گردد جزء موارد سوء نیت اتفاقی به شمار می رود. از نظر روانی سوء نیت احتمالی فی مابین قصد به معنی اخص کلمه و تقصیر و بی احتیاطی قرار دارد.

آقای دکتر علی آبادی در این خصوص بیان می دارند: «بین سوء نیت و خطای ساده یک حد وسطی وجود دارد که آنرا سوء نیت احتمالی نامند و مقصود از آن بی احتیاطی به خردانه است. در سوء نیت احتمالی مفروض این است که عامل تمام نتایج اعمال خود را پیش بینی کرده است ولی نمی توان گفت که خواستار نتایج آن شده است (علی آبادی، ص ۶۴)

سوال اینکه آیا در خصوص سوء نیت احتمالی حکم عمد قابل اجراست یا حکم خطا؟ در پاسخ بیان می‌داریم که در قوانین جزایی اکثر کشورها از جمله یوگسلاوی (ماده ۱۶ قانون جزا) لهستان (ماده ۱۴)^۴ انگلستان، تصریحاً عمد احتمالی تابع حکم عمد تلقی شده است ولی رویه قضایی فرانسه و ایران آنرا از مصادیق غیر عمد مشدد یا خطای سنگین می‌شناسد.

در زمان حاضر ماشین در زندگی بشر نقش موثری دارد و مراقبت در حفظ و تنظیم ماشینهای مزبور به لحاظ جانی ضرورت دارد. در این قبیل بی احتیاطی های کوچک ممکن است خطرات شگرفی دامنگیر اشخاص گردد ولذا عمد اجتماعی تابع حکم عمد است (باهری، ص ۲۱۵). گروه دوم معتقدند که تفسیر مضیق قوانین جزایی و تفسیر به نفع متهم ایجاب می کند که جز در موارد منصوص، عمد احتمالی را در ردیف عمد قطعی قرار ندهیم و در موارد غیر منصوص باید آنرا در ردیف خطای کیفری قلمداد نماییم.

از مجموع مطالب مذکور نتیجه اینکه چون در عمد احتمالی قصد مجرمانه (منظور قصد حصول نتیجه می باشد) وجود دارد لذا به خطا نزدیکتر است تا به عمد، اگر چه اکثر حقوقدانان آنرا در بحث سوء نیت و بیان اقسام آن مورد بررسی قرار داده اند اما به نظر می رسد این امر صحیح نباشد زیرا سوء نیت در جرایم عمدی یعنی خواستن نتیجه عمل و این خواستن یا در وجود شخص مرتکب است که در این صورت جرم عمدی است و با وجود ندارد که جرم غیر عمدی است. در عمد احتمالی نیز این خواست حصول نتیجه وجود ندارد و فقط از شدت بیشتری برخوردار است لذا تناسب جرم و مجازات و تفسیر مضیق قوانین جزایی و تفسیر به نفع متهم ایجاب می کند که در صورت وجود این نوع خطا (عمد احتمالی) مجازات تشدید شود و نمی توان جرم را از نوع عمد دانست.

دکتر صانعی در این خصوص چنین می نویسد: «اگر مسئله خواستار شدن نتیجه عمل مجرمانه را در نظر آوریم. می توان سوء نیت را به جازم و احتمالی تقسیم کرد. در سوء نیت جازم مرتکب عمل مجرمانه به طور قطع خواستار نتیجه عمل مجرمانه است، مثل کسی که به قصد قتل به دیگری تیراندازی می کند در صورتی که مجرم قصد ارتکاب عمل را داشته باشد نتیجه عمل خویش را نیز پیش بینی کند ولی خواستار حصول نتیجه نباشد می گوئیم سوء نیت احتمالی است» (ص ۳۲۰).

علمای حقوق جزا و رویه قضایی، سوء نیت احتمالی را به عنوان خطای ساده تلقی می کنند و می گویند که چون مرتکب عمل مجرمانه قصد ارتکاب جرم دوم را نداشته نمی توان او را به عنوان مجرم عمدی مجازات کرد.

با توجه به مطالب مذکور استنباط می شود در مواردی که مجرم احتمال وقوع حادثه و مخاطراتی را پیش بینی می نماید ولیکن به حصول نتیجه مجرمانه اطمینان ندارد چنین سوء نیتی، «سوء نیت احتمالی» نامیده می شود. مثل هواپیمایی بدون آنکه قصد کشتن مسافران را داشته باشد ولی با علم به خراب بودن و احتمال سقوط هواپیما، اقدام به حمل و نقل مسافران می نماید و در جریان آن هواپیما، سقوط و تعدادی کشته می شوند در این صورت از نظر حقوقی فرض می شود که مسئولین شرکت هواپیمایی در کشتن مسافران «سوء نیت احتمالی» داشتند.

^۴ مطابق ماده مذکور، «جرم عمدی نه فقط به اعمالی اطلاق می شود که عامل به انجام آن اراده کرده است بلکه در موردی هم که امکان آثار جرمی با آثار جرمی یا خصیصه جرم بودن عمل ارتكابی خود را پیش بینی کند. مرتکب جرم عمدی است.

۴-۳. سوء نیت مشخص و سوء نیت (عمد) متجاوز از عمد

از جمله تقسیم بندی های دیگر که در خصوص نتایج حاصله از عمد به عمل آمده است تقسیم بندی عمد به عمد معین (مشخص) و عمد متجاوز از قصد یا شبه عمد می باشد.

همانطور که قبلاً بیان گردید، در عمد معین مجرم برای نتیجه معین به ارتکاب جرمی مبادرت می نماید و به همان نتیجه هم می رسد به عنوان نمونه شخص، قصد کشتن دیگری را دارد و برای این امر نقشه می کشد و به همان نتیجه هم می رسد، این عمد را عمد معین گویند.

اماگاه اتفاق می افتد که شخص قصد جرم خاصی را دارد ولی نتیجه بدست آمده به مراتب بیش از انتظارات اوست. به عنوان نمونه می توان به ضرب و جرح عمدی منتهی به فوت اشاره نمود، در این جرم مرتکب به هیچ وجه قصد قتل را نداشته، لیکن نتیجه حاصله برخلاف انتظار وی به مراتب بیش از خواست او وارده مجرمانه قبلی وی می باشد. این عمد را عمد متجاوز از قصد گویند، تفاوت عمده، عمد متجاوز از قصد و عمد احتمالی آنست که در عمد متجاوز از قصد، مرتکب قصد مجرمانه را داشته به همین علت اقدام به جرم نموده است. لیکن نتیجه بدست آمده بیش از انتظار اوست و وخیم تر از عمل ارتكابی آتش می باشد ولی در عمد احتمالی مجرم به هیچ وجه قصد مجرمانه ندارد و مرتکب وقوع امری را حدس زده است (کتابی، ص ۹۸).

بنابراین در مواردی که فاعل قصد انجام جرم خاصی را دارد به طور مثال فاعل قصد ایراد ضرب و جرح دارد ولی نتیجه حاصله، به مراتب بیش از انتظار وی می باشد ولیکن صدمات وارده منجر به فوت مضروب می شود، در اینجا چون فاعل در اصل قصد قتل منجی علیه را نداشته، لذا جرم انجام شده شبه عمد یا عمد متجاوز از قصد نامیده می شود.

۵-۳. سوء نیت صریح و تبعی

قصد صریح یا ابتدایی که به آن قصد اصلی و مستقیم نیز گفته می شود وقتی است که جانی به روشنی قصد کشتن یا قطع یا جرح عضو دیگری را داشته اراده ابتدایی وی بر قتل یا صدمه بر مجنی علیه تعلق گرفته باشد (صادقی، ص ۱۱۱) در ماده ۲۹۰ قانون مجازات با بکار بردن قصد ایراد جنایت، تأکیدی به قصد نتیجه داشته است. قصد نتیجه به دو صورت صریح و ابتدایی و یا قصد تبعی بروز می کند، در قصد صریح به وضوح پیداست که مرتکب قصد جنایت داشته و نوع فعل ارتكابی او چندان اهمیتی ندارد.

گاهی اوقات مرتکب قصد صریحی بر جنایت ندارد اما نوع جنایت انجام شده عمدی است، در این حال رفتار یا فعلی که مرتکب انجام داده شدت بالا داشته (کشنده) که به علت انجام آن بتوان فرض قصد داشتن را در تقدیر انجام این عمل قرار داد. نوع قصد در این حالت از جنایت غیرمستقیم، تبعی و یا ضمنی می نامیده می شد. قصد تبعی زمانی محقق می شود که جانی نمی خواسته جنایتی انجام دهد چه نفس و چه مادون نفس، لذا فعل یا رفتاری که انجام داده عادتاً با قتل ملازمه دارد و عمل او به صورت فعل یا ترک فعل یا ایجابی و سلبی است.

۴. قصد وقوع نتیجه در برابر علم به وقوع نتیجه

تغییر در سطح نسبی دو رکن ارادی و شناختی، باعث می‌گردد درجات مختلفی از قصد ایجاد شود. در نظام حقوقی حقوق عرفی، می‌توان سه درجه قصد را نام برد: قصد مستقیم، قصد غیر مستقیم، بی‌مبالاتی که در نهایت، یک موقعیت نهایی با عنوان بی‌مبالاتی یا غفلت به آن اضافه می‌گردد.

در سیستم حقوقی حقوق نوشته نیز با عنایت به دو رکن اصلی تشکیل دهنده قصد (رکن ارادی و رکن شناختی)، سه درجه برای قصد شناخته شده است؛ با این تفاوت که برای بی‌مبالاتی دو درجه قائل شده‌اند.

این تفاوت تا قدری برابری و تطابق درجات مختلف قصد را در دو نظام حقوقی به سختی مافکند.

۱- سوء نیت درجه اول (قصد مستقیم درجه اول)

۲- سوء نیت درجه دو (قصد مستقیم درجه دو)

۳- قصد مشروط (سوء نیت محتمل)

و بی‌مبالاتی به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱- بی‌مبالاتی با وجود متوجه بودن.

۲- بی‌مبالاتی به دلیل متوجه نبودن (Finnin, 2012, p328)

البته در خود نظام حقوقی نوشته هم از کشوری به کشور دیگر که هر دو تابع نظام حقوق نوشته می‌باشند تعریف قصد، قدری متفاوت است. با این حال، در نظام حقوق عرفی، قرابت تعریف قصد در کشورهای مختلف نزدیکتر است.

دو عنصر عمده و اصلی تعیین کننده درجه قصد، عبارت است از: سطح نسبی عنصر ارادی و سطح نسبی عنصر شناختی.

یک مثال به صورت بهتر و واضح تر می‌تواند آن را تشریح نماید. شخص (الف) تیرانداز است و قصد دارد از فاصله دور به شخص (ب) شلیک کند و (الف) کار خود را عملی می‌نماید و (ب) کشته می‌شود. (الف) قصد کشتن (ب) را داشته است. بنابراین عنصر ارادی بسیار بالا بوده است ولی از طرفی عنصر شناختی به دلیل فاصله بسیار دور پایین است؛ البته این امر در تحقق قصد مستقیم تاثیری نداشته و در این قتل قصد مستقیم محقق شده است.

در این حالت، مرتکب در این درجه از قصد، آگاه به تمام وقایعی تبعی و ضروری و اساسی است که بعداً یا به صورت موقتی یا دائمی رخ می‌دهد و یا به عنوان یک نتیجه پنهان از هدف او فرض می‌شود؛ همانند شکسته شدن پنجره به دلیل عبور گلوله و سپس برخورد آن با قربانی (Finnin, 2012, p331).

در حقوق انگلستان، این درجه (قصد مستقی درجه اول) از قصد شامل مواردی می‌شود که فرد به قصد تحقق بخشیدن به یک نتیجه عمل می‌کند (Ashworth, 2009, p171).

برای بررسی دو عنصر ارادی و شناختی در قصد مستقیم درجه دوم، در همین ابتدا، یک مثال ارائه می‌شود. (الف) برای کشتن (ب) اقدام به بمب گذاری می‌نماید و البته میدانی که افراد دیگری نیز در آن مکان کشته خواهند شد ولی (الف) قصد کشتن آنها را ندارد بلکه حتی امیدوار است که دیگران نجات یابند و فقط (ب) به قتل برسد. (الف) برای به قتل رساندن اشخاصی به غیر از (ب) قصد مستقی درجه دو (در حقوق نوشته) و قصد غیر مستقیم (از لحاظ حقوق عرفی) داشته است. بنابراین در این نوع قصد عنصر ارادی ضعیف تر است و عنصر شناختی قوی تر است. مرتکب بدون هیچ توجهی به نتایج عمل خود، عمل مورد نظر را مرتکب می‌شود. بنابراین فرض بر این است که مرتکب، خواهان این نتایج نیز بوده است.

بر اساس حقوق عرفی انگلستان، مفهوم قصد غیرمستقیم مواردی را شامل می‌شود که در وقوع نتیجه ای برای مرتکب اطمینان قریب به یقین مطرح است. بنابراین مرتکب به دنبال وقوع (الف) می‌باشد اما آماده پذیرش موضوع (ب) نیز بر اساس اعمال خودش هست (Finnin, 2012, p332) بنابراین در این درجه از قصد، عنصر ارادی پایین و عنصر شناختی بالا می‌باشد.

قانونگذار در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی لزوم علم به موضوع در تحقق عنصر روانی جرایم عمدی را مورد تاکید قرار داده است. افزون بر این ماده، قانونگذار در بند ب ماده ۲۹۱ ق.م.ا و در بحث قتل نیز علم به موضوع را لازم دانسته و جهل به آن را موجب خروج قتل از حالت عمدی آن نموده است.

لزوم علم به موضوع جرم، امری بدیهی و آشکار است. مرتکبی که آگاهی او به موضوع جرم تعلق نگیرد، نمی‌تواند قاصد باشد، زیرا هدف اصلی تمامی مجرمین اعمال رفتار مجرمانه خود به موضوعات مشخص است و بدیهی است که اگر مرتکب از وجود موضوع، آگاه نباشد، نمی‌تواند قصد ارتکاب رفتار بر آن موضوع را نموده و در نتیجه وجود اندیشه و قصد مجرمانه در او منتفی خواهد بود. برای فهم این قسمت از قصد مجرمانه لازم است که موضوع جرم را در هر جرمی به صورت دقیق و واضح مشخص نمود و سپس از لزوم وجود علم به آن موضوع سخن گفته شود.

در جرایم علیه اشخاص نیز قاتل باید به انسان بودن قربانی و حیات او به عنوان موضوع جرم آگاه باشد. جرم قتل عمدی بی‌تردید تنها بر انسان زنده واقع می‌شود و تعلق وصف عمدی بودن به قتل، مستلزم علم مرتکب به اعمال رفتار مجرمانه بر انسانی زنده است. لذا این مرتکب انسانی را به تصور اینکه حیوان است یا به گمان آن که قبلاً فوت کرده است بکشد، نمی‌توان وی را قاصد دانست، زیرا در آن حال، وی تنها قصد کشتن حیوان یا مرده ای را داشته است. احتمال و ظن نیز در این حالت نمی‌تواند جایگزین علم و آگاهی گردد. لذا در صورتی که مرتکب بدون آنکه به موضوع جرم آگاه باشد، تنها احتمال وجود آن را بدهد، نمی‌توان نیت مجرمانه وی را محقق دانست. مانند فردی که به سمت یک سیاهی که احتمال انسان بودن آن را نیز می‌دهد شلیک کند، بدون آنکه قصد کشتن انسان را بنماید یا در جرم توهین به مقدسات، امری را مورد توهین قرار دهد که مقدس بودن آن از نظر اسلام در نزد وی مشکوک و مردد باشد و یا در معاونت در قتل عمدی، سلاحی را به دیگری می‌فروشد، احتمال دهد که وی آن را برای ارتکاب قتل عمدی مورد استفاده قرار می‌دهد یا در جرم خرید و فروش اموال مسروقه، بدون آنکه به مسروقه بودن مال آگاه باشد، به دلایلی مانند وضعیت فروشنده احتمال مسروقه بودن آن را بدهد.

موضوعی که در اینجا باید به آن اشاره نمود آن است که در جرم قتل عمدی جهل به وجود انسان زنده عمد را زایل می‌کند و دلیل تصور مرتکب اهمیتی ندارد. لذا در صورتی هم که وضعیت کنونی قربانی که تصور مرده بودن را در ذهن مرتکب ایجاد کرده است ناشی از رفتار خود مرتکب باشد، تغییری در قضیه ایجاد نمی‌کند، زیرا جهل به وجود یک انسان و یا زنده بودن او، نیت مجرمانه را منتفی می‌سازد؛ فارغ از اینکه علت تصور نادرست متمم چه امری باشد. مطلب دیگری که معین مطلب است لزوم وجود سوء نیت خاص در قصد است برای تحقق قتل عمدی سوء نیت خاص که قصد کشتن و سلب حیات از دیگری است نیز باید وجود داشته باشد آشکار است که قصد کشتن مستلزم علم به وجود یک انسان زنده است این را می‌توان علی‌رغم تصور به مرده بودن قربانی دست کشتن او را نمود.

۱-۴. شرایط تحقق قصد مجرمانه

برای آنکه قصد مجرمانه مورد نظر قانونگذار تحقق یابد لازم است که قصد فعل و قصد نتیجه و سایر ارکان و اجزاء قصد مجرمانه وجود داشته باشند. زیرا جنایات عمدی و به عبارت دیگر جرایم عمدی مجرایم مقید هستند (مقید به نتیجه) و از این رو برای تحقق عمد لازم است که مجرم و مرتکب واجد سوء نیت عام و سوء نیت خاص باشد.

شایان ذکر است اندیشمندان اسلامی در تالیفات خود با عناوین عمد در فعل و عمد در نتیجه لزوم وجود قصد فعل (سوء نیت عام) و قصد نتیجه (سوء نیت خاص) را متذکر شده اند (محقق حلی، ۱۹۶۹، ج ۴، ص ۲۴۵).

مضافاً اینکه برای احراز عمدی بودن جرم ارتكابی صرف قصد نتیجه یا قصد فعل کفایت نمی‌کند بلکه علاوه بر قصد نتیجه، قصد فعل نیز از اجزاء ضروری در تشخیص عمدی بودن جرم ارتكابی می‌باشد. البته آگاهی جانی بر ممنوعیت فعل و نتایج مورد نظر و همچنین امکان استناد منوی جرم ارتكابی به متهم (یا مجرم) از شرایط دیگر تحقق رکن روانی در جرایم عمدی می‌باشد.

به عنوان نمونه شروط و قیود ذکر شده در مواد ۲۰۶ و ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، سبب افتراق بین انواع قتل گشته، به گونه ای که برای احراز عمدی و غیر عمدی بودن قتل ارتكابی لزوماً باید با توسل به مواد فوق، نوع قتل را احراز نمود و ناچار باید به تجزیه و تحلیل شروط تحقق قصد مجرمانه پرداخت و با این شناخت است که می‌توان جرایم عمدی را از سایر جرایم تفکیک و تشخیص داد.

نظر به اینکه پیش از وقوع نتیجه مورد نظر مرتکب، فعل مجرمانه باید تحقق یابد و تصور و قصد فعل به لحاظ زمانی مقدم بر قصد نتیجه می‌باشد از این رو می‌بایست به بررسی قصد فعل و سایر مباحث مربوط به آن پرداخته و در ادامه معترض قصد نتیجه و سایر شروط می‌شویم.

۱-۱-۴. قصد فعل

مراد از عمد در فعل آنست که جانی به منظور دستیابی به نتیجه مجرمانه، عمل موثر در وقوع جرم را آگاهانه و با اختیار قصد کند. در واقع در صورتی شخص را می‌توان واجد قصد فعل تلقی نمود که اولاً، در اتخاذ تصمیم مذکور هیچ گونه اجباری (که سبب زوال اراده گردد) بر او تحمیل نشده باشد و از روی اراده و اختیار تصمیم به ارتكاب عمل نامشروع، گیرد و ثانیاً اتخاذ تصمیم مجرمانه (قصد فعل) از روی آگاهی و عمل باشد. لذا چنانچه به هر نحوی یکی از

دو وصف فوق (عالمانه و آزادانه بودن اتخاذ تصمیم مجرمانه به دلیلی مخدوش شود، قصد شخص مرتکب را نمی توان قصد فعل به شمار آورد. به عنوان نمونه هرگاه شخص مجنونی تصمیم به قتل فردی که او را تمسخر نموده، بگیرد و قصد خویش را عملی سازد، قتل ارتكابی به دلیل زوال قصد فعل (به علت عدم اتخاذ آگاهانه تصمیم) نمی تواند عمدی تلقی گردد بلکه در حکم خطای محض می باشد.

برای تحقق عمد در فعل یا همان قصد فعل حصول دو شرط ضروری است، شرط نخست: وقوع جرم به فعل مقصود مجرم می باشد نکته آنکه هرگاه سبب جرم از لوازم عرض یا عوارض طبیعی فعل مقصود نباشد و امری خارج از قصد جرم باشد. در این صورت وقوع جرم به سبب مذکور عمدی تلقی می گردد. (صادقی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۱) زیرا فعل ارتكابی نامشروع خارج از قصد مرتکب بوده و به لحاظ عدم فراهم شدن سوء نیت عام، یکی از ارکان و شرایط تحقق قصد مجرمانه مخدوش و عمل ارتكابی عمدی تلقی نمی گردد. و شرط ثانی فعل مورد نظر مرتکب، بر روی همان موضوع یا شخصی که مورد نظر است واقع شود. در جرایم عمدی که موضوع آن اشخاص می باشند همچون قتل، کلاهبرداری، ضرب و جرح عمدی، سقط جنین لزوما باید مرتکب قصد فعل داشته باشد ولی تنها وجود قصد فعل برای عمدی بودن عمل ارتكابی کافی نیست بلکه مرتکب باید قصد فعل مورد نظر را در خصوص شخص معین داشته باشد و بخواهد که فعل مجرمانه نسبت به آن شخص تحقق یابد به عبارت دیگر نه تنها لازم است فعل واقع شده از سوی مجرم قصد شده باشد بلکه علاوه بر آن شخصی که فعل مجرمانه به روی او اعمال شده نیز باید مقصود جانی باشد و فعل قصد شده بر شخص مورد نظر واقع شده باشد (مرعشی، ص ۱۰۹).

پس با ملاحظه شروط یادشده احراز گردید که در صورتی قصد فعل یا سوء نیت عام (که یکی از شرایط تحقق رکن روانی جرایم عمدی است) تحقق می یابد که اولاً، جرم ارتكابی ناشی از فعل مقصود مورد نظر مجرم باشد. ثانیاً، عمل مجرمانه بر شخص یا موضوعی واقع شده باشد که مورد نظر با مقصود اولیه مجرم باشد لذا در صورت انتفاء هر یک از دو شرط فوق، وقوع قصد فعلی متفنی می باشد و عمل ارتكابی را نمی توان عمدی دانست

۲-۱-۴. قصد نتیجه

فرد قصد تحقق و نتیجه را داشته و خواستار تحقق آن است، در نیت مجرمانه مرتکب تردیدی نیست. فردی که رفتار را به هدف رسیدن به نتیجه خاص مرتکب می شود، دارای بارزترین حالت نیت مجرمانه است، زیرا تحقق نتیجه مطلوب وی بوده و تمامی کوشش او در راستای تحقق آن صورت گرفته است و کاملاً منطقی است که تمامی جرم به صورت عمدی و به حساب او نوشته شود.

نکته مهم در این قسمت آن است که، زمانی که مرتکب خواستار تعلیق و نتیجه است، تمرکز بر قصد مرتکب است و نه بر اشتیاق یا میل داشتن به تحقق نتیجه؛ و مرتکب می تواند با خواستن یک نتیجه آن را قصد کند بدون آنکه به تحقق آن مشتاق باشد. (Smit & Hogan, p119) لذا اگر فردی برای خلاصی دیگری از درد تزریق کشنده روی او انجام دهد اما میلی به کشتن و نداشته باشد، قاصد در تحقق مرگ شناخته می شود. البته تردیدی نیست که می توان تصور نمود که در حالت خاص نتیجه، علاوه بر اینکه نتیجه از جانب متهم قصد می شود تحقیق آن مورد رضایت اشتیاق و میل او نیز باشد. مانند فردی که از کشتن انسانها یا تخریب اموال مردم به آرامش می رسد و با شوق و تمایل بسیار اقدام

به این کارها می‌کند. با این وجود همانطور که اشاره شد از نظر حقوق کیفری آنچه برای تحقق نیت مجرمانه در این حالت مورد نیاز است، تنها خواستن نتیجه از جانب مرتکب است و موارد دیگر مانند اشتیاق و تمایل و رضایت تأثیری در تحقق آن ندارد.

باید توجه داشت که هرچند همانطور که اشاره شده، در صورت وجود قصد نتیجه نزد مرتکب، آگاه بودن او از تحقیق و نتیجه شرط نیست، اما لازم است که وی وقوع نتیجه را احتمال دهد، زیرا قصد رسیدن به یک نتیجه، مشروط بر احتمال تحقق آن نزد مرتکب است و نمی‌توان تصور نمود که شخصی علیرغم اینکه هیچ احتمالی به تحقق نتیجه ای ندهد، قصد رسیدن به آن را داشته باشد Herman Manheim ۱۹۳۵ صفحه ۸۸

همانطور که مستحضر می‌باشید، جرایم عمدی از نوع جرایم مقید به نتیجه هستند و در صورتی عمل ارتكابی عمدی تلقی می‌گردد که نتیجه مورد نظر مجرم تحقق یابد از این رو علاوه بر قصد فعل، لازم است که قصد نتیجه نیز وجود داشته باشد و در صورتی عمل عمدی محسوب می‌گردد که شخص قصد فعل مجرمانه خاصی داشته باشد و نتیجه مقصود او فراهم گردد. شایان ذکر است در جرایم عمدی تمام شدن جرم متوقف بر حدوث نتیجه مجرمانه می‌باشد. نکته اینکه قصد نتیجه ممکن است به یکی از دو صورت «قصد صریح و ابتدایی» و یا قصد تبعی ظاهر شود که ذیلاً به آنها پرداخته می‌شود.

الف - قصد ابتدایی

قصد صریح یا ابتدایی که به آن قصد اصلی و مستقیم نیز گفته می‌شود و وقتی است که مجرم به وضوح قصد مجرمانه خاصی داشته و اراده اولیه وی بر تحقق همان فعل بر شخص مقصود یا موضوع مورد نظر تعلق گرفته باشد. به عنوان مثال هرگاه شخصی قصد کشتن یا قتل یا جرح عضو دیگری را داشته باشد و اراده ابتدایی او بر قتل یا صدمه بر مجنی علیه تعلق گرفته باشد چنین قصدی را قصد نتیجه صریح یا ابتدایی نامند. در این فرض چگونگی انجام فعل ارتكابی و ویژگیهای آلات و وسایل مورد استفاده مرتکب، در نوع جرم موثر نبوده و در هر حال جرم واقع شده عمدی تلقی می‌گردد.

شایان ذکر است صاحب نظران و حقوقدانان اسلامی در صورت که شخص با قصد قتل یا ضرب، دیگری را به قتل برساند یا مضروب نماید، عمل ارتكابی را عمدی می‌دانند (خمینی، ج ۲، ص ۵۰۸). لذا به محض احراز قصد ابتدایی و وجود قصد فعل و تحقق نتیجه مقصود، عمل ارتكابی عمدی است.

ب - قصد تبعی

همانطور که گذشت دیده شد که قصد نتیجه گاه صریح و مستقیم است به طوری که مجرم ابتدایی و بالاصاله تحقیق نتیجه مجرمانه را به دنبال انجام افعال اختیاری طلب کند و در موارد بدون آنکه قصد صریح بر وقوع پدیده مجرمانه داشته باشد، قصد فعل به تنهایی در تحقق عمد کافی است. در این صورت فعل ارتكابی باید از چنان خصوصیتی برخوردار باشد که به موجب آن بتوان قصد مجرمانه را مفروض قلمداد کرد این نوع از قصد را غیر مستقیم، تبعی و یا ضمنی نامیده می‌شود (صادقی، ص ۱۱۵) در واقع در برخی موارد، مرتکب قصد وقوع و حصول نتیجه حاصل شده را

ندارد و هرگز نمی خواسته که چنین امری اتفاق افتد، لیکن چون فعل ارتكابی توسط او به گونه ایست که نوعاً چنین نتیجه ایی به دنبال خواهد داشت، حصول نتیجه واقع شده از مقصود مرتکب می دانند. به عنوان مثال استفاده از آلات قتاله و ارتكاب افعال غالباً کشنده دلیل وجود قصد سابق بر حصول نتیجه مجرمانه خواهد بود.

ج) تقارن قصد فعل و قصد نتیجه

برای احراز عمدی بودن فعل ارتكابی صرف وجود قصد فعل و قصد نتیجه (آنهم بر طبق شرایط و قیود) کافی نمی باشد بلکه همزمانی و تقارن قصد و نتیجه از شرایط اساسی احراز عمدی بودن جرایم می باشد و از این رو لازماًست مرتکب و مجرم در زمان ارتكاب فعل و نه بعد یا قبل از آن قصد جرم خاص داشته باشد.

لذا قصد موخر بر جرم ارتكابی نمی تواند فعل و جرم واقع شده را عمد سازد. دلیل این است که در زمان وقوع نتیجه مجرمانه، مرتکب فاقد قصد نتیجه بوده و چون یکی از شروط تحقیق عمد فراهم نگشته، لذا عمل ارتكابی عمدی نمی باشد. همچنین اگر مرتکب قصد وقوع فعل مجرمانه را نداشته باشد (فعلی که منجر به نتیجه مجرمانه شده است) در صورت حصول نتیجه مجرمانه، چون قصد فعل واقع شده را نداشته لذا فعل ارتكابی عمد نمی باشد به عنوان نمونه اگر فرد قصد مسموم کردن مجنی علیه را داشته باشد، لیکن بدون توجه به قصد فرد سنگ کوچکی را به طرف وی پرتاب کرده و اتفاقاً منتهی به هلاکت شود قتل عمدی نخواهد بود

۲-۴. لزوم علم مجرم بر خصوصیت غالبی فعل

صرف استعمال ادوت و الاتی که نوعاً نتیجه مجرمانه خاصی را دنبال دارند سبب عمدی تلقی نمودن فعل و جرم ارتكابی نمی گردد و در اقوال فقهای اسلامی معیار تفکیک انواع جرایم از یکدیگر متوجه نوعیت آلت و فعل نبوده بلکه از نظر آنها عمل ارتكابی باید به روشنی و وضوح، کشف از قصد قتل باشد. به عنوان نمونه چون آلت قتاله که یک امر عادی است نمی تواند در تحقق عمد که یک امر ذهنی است موثر واقع شود، لذا تنها کاشف از آن تلقی می گردد (طباطبایی، ج ۳، ص ۵).

شایان ذکر است انجام فعلی که نوعاً موجب جرم می گردد در صورتی صلاحیت جانشینی قصد جرم را دارد که فاعل بر خصوصیت فعل ارتكابی خویش، آگاهی داشته باشد زیرا با استنادات او بر سببیت فعل خویش و اثر ملازم با آن در واقع به نوعی قصد جرم نموده است و قصد فعل با علم بر ترتب جنایت بر آن مانند قصد آن نتیجه است. لذا فعل ارتكابی باید از چنان خصوصیتی برخوردار باشد که عرفاً مفهوم قصد از آن مستفاد گردد و در این خصوص قصد انجام فعلی که عادتاً سبب وقوع جرم می گردد در تحقق عمد کافی است.

۱-۲-۴. علم به رفتار نوعاً کشنده، جایگزین قصد نتیجه

یکی از مهمترین مباحث در بحث سوء نیت خاص یا قصد نتیجه، جایگزینی «علم» مرتکب به نوعاً کشنده بودن رفتار در تحقق نتیجه، به جای قصد نتیجه است. سلب حیات هدف و منظور مرتکب از انجام رفتار مجرمانه است در حقیقت، مرتکب به دلیل رسیدن به این هدف مبادرت به ارتكاب فعل یا ترک فعل مخالف قانون می نماید. لذا آنچه مورد خواست و تمنای مرتکب از رفتار خویش است، همین رسیدن به نتیجه مجرمانه یا سلب حیات است و البته هدف هایی

دیگر که از ورای این نتیجه و متعاقب آن به او خواهد رسید. هر چند در غالب موارد، این رابطه بین دو سوء نیت عام و خاص وجود داشته و سوء نیت خاص نشانگر علت تمایل مرتکب به داشتن سوء نیت عام است، اما در پاره ای از اوقات، مرتکب از رفتار خود در پی رسیدن به سوء نیت خاص نیست، بلکه هدفی دیگر، اعم از اهداف مباح یا ممنوع را دنبال می کند، اما آگاه است که انجام این رفتار عملاً منجر به نتیجه ممنوعه مورد نظر قانونگذار خواهد شد. آیا در اینگونه موارد می توان وی را دارای سوء نیت خاص و عنصر معنوی را محقق شده دانست؟ برای مثال، سوء نیت خاص در قتل عمدی، قصد کشتن یک انسان زنده است و در غالب موارد نیز قاتل عمدی کسی است که به همین هدف و در راستای رسیدن به همین نتیجه، مرتکب رفتار مجرمانه می شود. اما می توان فرض نمود که مرتکب با هدف گرفتن پول از شرکت بیمه در پی انفجار یک هواپیما باشد و البته بداند که با توجه به اینکه در آن مکان کارمندان متعددی حضور دارند، انفجار در آنجا عملاً منجر به مرگ آن کارمندان نیز خواهد شد. در این مثال هدف مرتکب از بمب گذاری، کشتن انسان ها نیست و چه بسا حتی از این امر گریزان بوده و امید به عدم تحقق آن نیز داشته باشد، اما با توجه به تجارب عملی نیک میداند که رفتار او، مرگ حاضرین و مسافری را به دنبال خواهد داشت برای اینکه بتوان از علم به عنوان قصد غیر مستقیم یا قصد نتیجه بهره برد، احراز دو امر ضروری است: نخست، نتیجه حاصله، پیامد طبیعی عمل متهم بوده است، بدان معنا که به طور معمول این نتیجه در اثر این رفتار روی می دهد و دوم، پیش بینی متهم که آن نتیجه در روند طبیعی عمل وی خواهد داد (یکرنگی محمد، عالیپور، حسن، ص ۱۶۴). نیت خاص در جرایم عمدی مقید به نتیجه، این سوء نیت را قصد رسیدن به نتیجه و یا علم به وقوع آن دانسته و این دو را به عنوان جایگزین و قسیم یکدیگر در سوء نیت خاص مورد پذیرش قرار داده اند.

۲-۲-۴. علم به شرایط تحقق جرم

در برخی جرایم علاوه بر رفتار مجرمانه، موضوع جرم یا حتی نتیجه تحقق جرم منوط به وجود برخی از شروط است و بدون آن شرایط، یا جرم محقق نمی شود و یا نوع آن تغییر می یابد. که این امر ممکن است هم در جرایم مطلق و مقید تحقق یابد. برای مثال در سرقت مقرون به پنج شرط مذکور در ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی شرط شده است که جرم در شب واقع شده باشد. این شرط نیز که تحقق آن در عالم خارج ضروری است، لاجرم داخل عنصر مادی جرم است و با توجه به اینکه برای تحقق عمدی جرم علم به تمامی اجزای عنصر مادی ضروری است، اشتباه و جهل نسبت به همین شرط نیز موجب انتفای این جرم شده و حسب مورد جرم را به نوعی دیگر سرقت تنزیل می دهد. همچنین در جرایم ارتشا و اختلاس، کارمند بودن مرتکب شرط تحقق جرم است که این امر نیز باید از جمله اجزای عنصر مادی جرم و نیازمند به علم مرتکب دانست.

همچنین ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده برای شوهری که علیرغم استطاعت مالی و تمکین زن، نفقه او را ندهد مجازات در نظر گرفته است. در این ماده پرداختن نفقه، رفتار مرتکب و زن نیز موضوع جرم است و استطاعت مالی و تمکین زن نیز از جمله شروط تحقق جرم به حساب می آید که لاجرم باید تحت شمول آگاهی مرتکب قرار گیرد. پس مرتکبی تحت مشمول ماده است که در حال علم استطاعت خود و تمکین زن، نفقه او را عمداً نپردازد. لذا هرگاه مرتکبی به استطاعت مالی خود برای پرداخت نفقه واقف نباشد؛ مانند آن که از مقدار پولی که از قبل به او رسیده آگاه نبوده و خود را مستطیع ندارد و نفقه را نپردازد، علی‌رغم اینکه از نظر عنصر مادی مستطیع محسوب می شود، ولی نظر

به جهل او نسبت به استطاعت خود، نمی توان وی را در جرم ترک انفاق عامد دانست. همچنین اگر وی به اشتباه تصور کند که زن و تمکین لازم را نسبت به انجام نداده است. مانند آن که وی به زن خود امر به انجام کار و کسب درآمد کند و با امتناع زن، وی را ناشزه پنداشته و به همین اعتبار از پرداخت نفقه به او خودداری نماید. در این حالت نیز علیرغم آنکه از نظر عنصر مادی زن تمکین کرده و شروط تحقق جرم فراهم است، اما چون مرتکب به وقوع این شرایط عالم نیست، نمی توان عنصر روانی جرم ترک انفاق را محقق دانست. در حقوق انگلستان نیز شروط تحقق جرم از اجزای عنصر مادی دانسته شده و لذا تعلق نیت مجرمانه با آنها مورد بحث قرار گرفته است (Simister & Sullivan, p137) در حقوق این کشور نیز با توجه به اینکه عنصر علم و آگاهی به شرایط نه داخل در نیت مجرمانه و بلکه قسیم و در عرض آن است، تصریح شده است که در زمان ارتکاب جرم باید علم به شرایط موجود باشد و در صورتی که مرتکب قبلاً به این امور آگاه بوده ولی در زمان ارتکاب جرم آنها را فراموش کرده باشد، نمی توان عنصر روانی او را محقق دانست (Michael j. Allen, p65)

البته باید توجه داشت که شروط تحقق جرم گاه به صراحت مورد حکم قانونگذار قرار گرفته اند و گاه تنها به صورت ضمنی از قانون استنباط می گردند. برای دسته اول می توان به مساله ای پیش گفته در مورد سرقت مشاهده و جرم ترک انفاق اشاره نمود که شروط تحقق آنها به صراحت در متن ماده قانونی مربوطه قید شده و لذا تردیدی در لزوم آگاهی مرتکب از آنها وجود ندارد. اما برای دسته دوم می توان به جرم آدم ربایی و زنا به عنف اشاره نمود که شرط عدم رضایت قربانی هر چند ممکن است به صراحت در متن قانون ذکر نشده باشد، اما تردیدی نیست که تحقق عنف و ربودن، منوط به عدم رضایت قربانی است. لذا برای تحقق این جرایم نیز لازم است مرتکب به عدم رضایت قربانی آگاه باشد و هر گاه اشتباه او را راضی بداند، عنصر روانی جرایم پیش گفته محقق نخواهد شد. در یکی از آرای بین المللی که در مورد عنصر روانی تجاوز جنسی به عنوان یکی از جرائم علیه بشریت بحث شده است، دادگاه علم به عدم رضایت قربانی را جز عنصر روانی جرم دانسته است. در حقیقت در تمامی جرایمی که رضایت منجی علیه تحقق جرم را منتفی می سازد، عدم رضایت به جز شرایط تحقق جرم است؛ هر چند صراحتاً به آن اشاره نشده باشد. لذا هر چند در جرم سرقت نیز به عدم رضایت مالباخته اشاره نمی شود، ولی تردیدی نیست که سرقت در صورتی محقق می گردد که مال باخته به تربودن مال خود راضی نباشد. چنین امری به این معناست که در صورتی که مرتکب با تصور نادرست کمک کند که صاحب مال به او اجازه انتقال یار بودن مال را داده است یا به دلیل دیگری وی را در بردن مال راضی بداند، نظر به عدم آگاهی وی از این شرط، عنصر روانی وی را نمی توان محقق دانست؛ هر چند در هر حال وی به تعلق مال به دیگری عالم بوده و عمداً آن را از حیطة تصرف خارج نموده باشد.

نتیجه گیری

اراده آگاه نسبت به مال موضوع جرم یا شخص متضرر از جرم و تعلق فعل و انفعال ذهنی مرتکب به نتیجه ممنوعه قانونی، سوء نیت خاص یعنی قصد تحصیل نتیجه مجرمانه می باشد. برخی از صاحب نظران حقوق جزاء سوء نیت عام و خاص را تحت عناوینی چون قصد عام و خاص بررسی نموده اند. شایان ذکر است در ارتکاب کلیه جرایم اعم از عمدی و غیر عمدی، سوء نیت عام لازم و ضروری می باشد. در پاره ای از جرائم ضمن داشتن سوء نیت عام، سوء نیت خاص نیز لازم است. جرم قتل عمدی از جمله جرائم مقید است که به سوء نیت خاص که همان قصد نتیجه است

هم نیازمند است و به این معنی است که علاوه بر قصد عمل مجرمانه باید قصد نتیجه معین یا ضرر خاص هم که از طرف قانونگذار برای تحقق جرم ضروری است مصداق پیدا کند. علمای حقوق جزا و رویه قضایی، سوءنیت احتمالی را به عنوان خطای ساده تلقی می‌کنند و می‌گویند که چون مرتکب عمل مجرمانه قصد ارتکاب جرم دوم را نداشته نمی‌توان او را به عنوان مجرم عمدی مجازات کرد.

قانونگذار در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی لزوم علم به موضوع در تحقق عنصر روانی جرایم عمدی را مورد تاکید قرار داده است. افزون بر این ماده، قانونگذار در بند ب ماده ۲۹۱ ق.م.ا و در بحث قتل نیز علم به موضوع را لازم دانسته و جهل به آن را موجب خروج قتل از حالت عمدی آن نموده است.

لزوم علم به موضوع جرم، امری بدیهی و آشکار است. مرتکبی که آگاهی او به موضوع جرم تعلق نگیرد، نمی‌تواند قاصد باشد، زیرا هدف اصلی تمامی مجرمین اعمال رفتار مجرمانه خود به موضوعات مشخص است و بدیهی است که اگر مرتکب از وجود موضوع، آگاه نباشد، نمی‌تواند قصد ارتکاب رفتار بر آن موضوع را نموده و در نتیجه وجود اندیشه و قصد مجرمانه در او منتفی خواهد بود. برای فهم این قسمت از قصد مجرمانه لازم است که موضوع جرم را در هر جرمی به صورت دقیق و واضح مشخص نمود و سپس از لزوم وجود علم به آن موضوع سخن گفته شود. برای آنکه قصد مجرمانه مورد نظر قانونگذار تحقق یابد لازم است که قصد فعل و قصد نتیجه و سایر ارکان و اجزاء قصد مجرمانه وجود داشته باشند. زیرا جنایات عمدی و به عبارت دیگر جرایم عمدی جرایم مقید هستند (مقید به نتیجه) و از این رو برای تحقق عمد لازم است که مجرم و مرتکب واجد سوء نیت عام و سوءنیت خاص باشد.

برای احراز عمدی بودن فعل ارتكابی صرف وجود قصد فعل و قصد نتیجه (آنهم بر طبق شرایط و قیود) کافی نمی‌باشد بلکه همزمانی و تقارن قصد و نتیجه از شرایط اساسی احراز عمدی بودن جرایم می‌باشد و از این رو لازم است مرتکب و مجرم در زمان ارتکاب فعل و نه بعد یا قبل از آن قصد جرم خاص داشته باشد. لذا قصد موخر بر جرم ارتكابی نمی‌تواند فعل و جرم واقع شده را عمد سازد. دلیل این است که در زمان وقوع نتیجه مجرمانه، مرتکب فاقد قصد نتیجه بوده و چون یکی از شروط تحقیق عمد فراهم نگشته، لذا عمل ارتكابی عمدی نمی‌باشد. همچنین اگر مرتکب قصد وقوع فعل مجرمانه را نداشته باشد (فعلی که منجر به نتیجه مجرمانه شده است) در صورت حصول نتیجه مجرمانه، چون قصد فعل واقع شده را نداشته لذا فعل ارتكابی عمد نمی‌باشد.

با توجه به مطالب ارائه شده در این تحقیق، معمولاً در پرداختن به موضوع تحقق عمد با قصد نامعین به وضعیت مادی و شرایط فیزیکی رفتار توجه می‌گردد، این در حالی است که قصد وضعیت ذهنی مرتکب بوده و فارغ از شرایط فیزیکی رفتار می‌بایست به آن توجه نمود. در حال حاضر در حقوق کیفری ایران سوءنیت خاص با دو حالت قصد معین و علم در ارتباط با وقوع نتیجه امکان تحقق دارد و پذیرش وضعیت های ذهنی بیان شده ذیل انواع قصد نامعین به عنوان حالت روانی مستقل قادر به تحقق بخشیدن به سوءنیت خاص نخواهد بود

منابع

آذرنوش، آذرتاش و دیگران، ۱۳۸۷، مجمع اللغات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

اردبیلی، محمد علی، ۱۳۹۵، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، تهران.

آزمایش، علی، ۱۳۸۰، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی یک، دوره کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران،

باقری، محمد، ۱۳۸۴، حقوق جزای عمومی، تهران، مجد

پوربافرانی، حسن، ۱۳۹۲، جرایم علیه اشخاص، انتشارات جنگل، ص ۶۳

خمینی، روح الله، ترجمه تحریر الوسیله امام خمینی (س)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

سپهوند، امیر، ۱۳۸۶، حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه اشخاص، چاپ اول، تهران، نشر مجد.

شامبیانی، ۱۳۸۳، حقوق جزای عمومی، ج ۱، انتشارات پاژنگ.

صادقی، محمد هادی، حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اشخاص، بیستم، تهران، نشر میزان.

صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش

طباطبایی، علامه محمد حسین، تفسیر المیزان، جلد ۵، ترجمه استاد محمد جواد حجتی کرمانی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۳،

علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران.

عوده، عبدالقادر، ۱۳۷۵، التشریح جنایی اسلامی، مترجمان ناصر قربان نیا و ...، جلد دوم، چاپ اول تهران، نشر میزان.

فیض، علی رضا، ۱۳۸۵، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، چاپ هفتم، تهران، نشر سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کتابی

گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۱، حقوق جزای اختصاصی، اول، تهران، جهاد دانشگاهی.

گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۶، بایسته های حقوق جزای عمومی، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.

لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۳، مقدمه عمومی علم حقوق، نهم، تهران، کتابخانه گنج دانش

محسنی، مرتضی، ۱۳۸۲، دوره حقوق جزای عمومی، ج ۲، نشر گنج دانش.

محقق حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۱۸، المختصر النافع، ج ۰، ج ۶، قم، مؤسسه المطبوعات الیدلیه.

مرعشی، محمد صادق، ۱۳۷۹، دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، جلد دوم، انتشارات میزان.

ولیدی، محمد صالح، ۱۳۸۹، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، جنگل.

پاد، ابراهیم، ۱۳۸۵، حقوق کیفری اختصاصی تقریرات، انتشارات دانشگاه تهران

یکرنگی، محمد، عالیپور، حسن، ۱۳۹۴، معیار علم به وقوع نتیجه در حقوق کیفری ایران، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۲، شماره ۲.

Ashworth, Andrew, (۲۰۰۹), Principles of Criminal Law (۶th edn, OUP.

Finnin, Sarah (۲۰۱۲), Mental Elements under Article ۳۰ of the Rome statute of the International Criminal court: A Comparative Analysis, ICLQ, Vol. ۶۱.

Mannheim, Hermann, Mens Rea in German and English Criminal Law, Journal of Comparative Legislation and International Law, Third Series, Vol. ۱۷, No. ۱ (۱۹۳۵), PP. ۸۲-۱۰۱.

Allen, Michael J., Textbook on Criminal Law, Fourth edition, Blackstone Press Limited, ۱۹۹۷.

Simister and Sullivan, Criminal Law; Theory and Doctrine, Fourth edition, Oxford and Portland, Oregon, Hart Publishing, ۲۰۱۰.

Smith & Hogan, Criminal Law, ۱۰th edition, London, Oxford University Press, ۲۰۰۹.